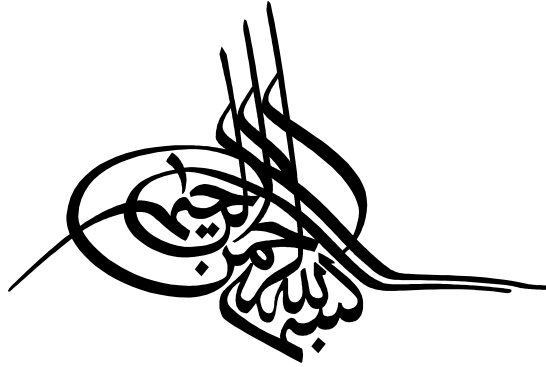




مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی

سری کتابهای کمک‌آموزشی کارشناسی ارشد

مجموعه علوم تربیتی ۱

مؤلفان: سید جمال بارخدا – سیده سروه بارخدا

سرشناسه	: بار خدا، سید جمال
عنوان	: مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی
مشخصات نشر	: تهران، مشاوران صعود ماهان، ۱۴۰۴
مشخصات ظاهری	: ۲۶۳ ص
فروست	: سری کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۷۰۴-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیاپی مختصر
یادداشت	: این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شناسه افزوده	: سیده سروه بارخدا
رده‌بندی دیویی	: ۳۷۸/۱۶۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۳۹۶۶۲



نام کتاب:مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی
مدیر مسئول:دکتر مجید سیاری
مولفان:سیدجمال بارخدا - سیده سروه بارخدا
ناشر:مشاوران صعود ماهان
مسئول تولید و محتوا:سمیه بیگی
نوبت و تاریخ چاپ:اول / ۱۴۰۴
تیراژ:۱۰۰۰ جلد
قیمت:۷۲۰/۰۰۰ ریال
شابک:ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۷۰۴-۴

انتشارات مشاوران صعود ماهان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری،

روبروی قنادی هتل بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰

تلفن: ۴-۸۸۱۰۰۱۱۳

سخن ناشر

«ن والقلم و ما یسطرون»

کلمه نزد خدا بود و خدا آن را با قلم بر ما نازل کرد.

به پاس تشکر از چنین موهبت الهی، موسسه ماهان درصدد برآمده است تا در راستای انتقال دانش و مفاهیم با کمک اساتید مجرب و مجموعه کتب آموزشی خود برای شما داوطلبان ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، گام موثری بردارد. امید است تلاش‌های خدمتگزاران شما در این موسسه پایه‌گذار گام‌های بلند فردای شما باشد.

بدین‌وسیله از مجموعه اساتید، مولفان و همکاران محترم خانواده بزرگ ماهان که در تولید و به‌روزرسانی تالیفات ماهان نقش موثری داشته‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نماییم.

دانشجویان عزیز و اساتید محترم می‌توانند هرگونه انتقاد و پیشنهاد درخصوص تالیفات ماهان را از طریق سایت ماهان به آدرس mahan.ac.ir با ما در میان بگذارند.

موسسه آموزش عالی آزاد ماهان

سخن مؤلف

آموزش یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان برای رسیدن به کمال است. آموزش و پرورش از طریق تحولاتی که در رفتار فرد به وجود می‌آورد، در رشد و پویایی فرهنگ جامعه نیز تأثیر عمیقی می‌گذارد، همچنین یکی از ارکان توسعه هر کشور، بخش آموزش آن است. آموزش نه تنها یکی از حقوق اولیه و اصلی انسان است، بلکه جزء اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز هست و در صورتی که برنامه‌ریزی آن به صورت شایسته انجام پذیرد، می‌تواند بازده اقتصادی زیادی به‌ویژه در کشورهای فقیر داشته باشد.

برنامه‌ریزی مهم‌ترین و مؤثرترین ابزاری است که به وسیله آن می‌توان موجبات رشد و توسعه کشور و بهبود کمی و کیفی زندگی افراد جامعه را فراهم کرد. برنامه‌ریزی آموزش و پرورش و تعیین حدود و مشخصات کارهایی که باید انجام گیرد، یکی از ضروریات تصمیم‌گیری‌های صحیح و مناسب در این حوزه می‌باشد.

این کتاب، با توجه به اهمیت مفاهیم موجود در برنامه‌ریزی آموزش و پرورش و به منظور رعایت انسجام مطالب و پرداختن بهتر به موضوع، در دو بخش اصلی: برنامه‌ریزی آموزشی و برنامه‌ریزی درسی ارائه می‌شود:

بخش اول: مربوط به برنامه‌ریزی آموزشی است، شامل چهار فصل می‌باشد که به بیان مفاهیم اساسی، بررسی مدل‌ها و الگوهای برنامه‌ریزی آموزشی، چگونگی تهیه و تدوین و همچنین اجرا و ارزشیابی برنامه‌های آموزشی می‌پردازد.

بخش دوم: به مقوله برنامه‌ریزی درسی اختصاص دارد. این بخش به علت وجود مسائل و نکات موجود در برنامه‌ریزی درسی در هفت فصل ارائه می‌شود و در هر فصل به طور مفصل و مفید به مباحث اصلی برنامه‌ریزی درسی، نظریه‌ها و الگوهای آن، چگونگی طرح‌ریزی برنامه‌ها، تهیه اهداف و محتوی برنامه‌ها، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی پرداخته می‌شود.

امید است کتاب حاضر، راهنما و مرجع مفیدی برای متقاضیان و استفاده‌کنندگان آن باشد و پاسخگوی نیازهای آنان در رابطه با مباحث برنامه‌ریزی آموزشی و درسی.

سیده سروه بارخدا

فهرست

صفحه	عنوان
۹	بخش اول: برنامه‌ریزی آموزشی
۱۱	فصل اول: مفاهیم اساسی برنامه‌ریزی آموزشی
۱۲	مفهوم برنامه‌ریزی درسی
۱۳	مفهوم برنامه‌ریزی آموزشی
۱۵	تعاریف برنامه‌ریزی
۱۶	تعریف آموزش و پرورش
۱۸	انواع برنامه‌ریزی‌های آموزشی
۲۳	سطوح برنامه‌ریزی آموزشی
۲۷	سوالات چهارگزینه‌ای تالیفی و پاسخنامه فصل اول
۲۷	فصل دوم: اصول برنامه‌ریزی آموزشی
۲۸	اصول برنامه‌ریزی آموزشی
۵۵	ارکان برنامه
۵۸	چگونگی تهیه یک برنامه توسعه آموزش عمومی
۶۲	انواع الگوهای ارزشیابی
۶۳	رابطه آموزش و پرورش با رشد و توسعه
۶۴	آموزش و پرورش و توسعه اقتصادی
۶۵	سوالات چهارگزینه‌ای تالیفی و پاسخنامه فصل دوم
۶۸	فصل سوم: تشریح سطوح برنامه‌ریزی آموزشی
۶۹	برنامه آموزشی در سطح خرد
۷۰	برنامه‌ریزی آموزشی در سطح مؤسسه
۷۱	رویکردهای برنامه‌ریزی آموزشی در سطح کلان
۷۲	رویکردهای برنامه‌ریزی نیروی انسانی
۷۴	رویکرد هزینه - فایده
۷۶	رویکرد تقاضای اجتماعی
۷۷	الگوهای برنامه‌ریزی آموزشی
۸۸	سوالات چهارگزینه‌ای تالیفی و پاسخنامه فصل سوم
۹۴	بخش دوم: برنامه‌ریزی درسی
۹۶	فصل چهارم: مفاهیم اساسی برنامه‌ریزی درسی
۹۷	مفهوم برنامه درسی

۹۸	برنامه‌ریزی (از دیدگاه دکتر مشایخ).....
۱۰۲	مفاهیم برنامه درسی.....
۱۰۳	مراحل برنامه‌ریزی درسی.....
۱۰۴	جمع‌بندی.....
۱۰۶	سوالات چهارگزینه‌ای تالیفی و پاسخنامه فصل چهارم.....
۱۱۲	فصل پنجم: نظریه‌های برنامه‌ریزی درسی
۱۱۳	نظریه.....
۱۶۹	رویکردهای برنامه ریزی درسی.....
۱۷۰	مراحل الگوبردازی برنامه درسی.....
۱۷۰	مدل‌های برنامه‌ریزی درسی.....
۱۷۵	سوالات چهارگزینه‌ای تالیفی و پاسخنامه فصل پنجم.....
۱۲۷	فصل ششم: طراحی برنامه‌ریزی درسی
۱۲۸	عناصر برنامه درسی.....
۱۲۹	نیازسنجی و تدوین هدف در برنامه‌ریزی درسی.....
۱۲۹	انتخاب محتوا.....
۱۲۹	الگوهای سازماندهی محتوای برنامه درسی.....
۱۲۵	سوالات چهارگزینه‌ای تالیفی و پاسخنامه فصل ششم.....
۱۵۹	فصل هفتم: انتخاب فعالیت‌های یادگیری
۱۶۰	روش تدریس.....
۱۶۲	رویکردهای فعال در تدریس.....
۱۶۶	سوالات چهارگزینه‌ای تالیفی و پاسخنامه فصل هفتم.....
۱۶۹	فصل هشتم: اجرا و ارزشیابی برنامه‌ریزی درسی
۱۷۵	ارزشیابی برنامه درسی از دیدگاهی متفاوت.....
۱۷۷	ارزشیابی برنامه درسی.....
۱۸۵	سوالات چهارگزینه‌ای تالیفی و پاسخنامه فصل هشتم.....
۱۸۷	فصل نهم: دیدگاه‌های فلسفی
۱۸۸	دیدگاه‌های فلسفی موثر در برنامه درسی.....
۱۹۱	مبانی علمی برنامه‌ریزی درسی.....
۱۹۱	مبانی روانی در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی.....
۱۹۲	مبانی جامعه‌شناختی.....
۱۹۲	مبانی فلسفی برنامه‌ریزی آموزشی و درسی.....
۱۹۳	مکاتب عمده فلسفی.....
۱۹۵	سوالات و پاسخ تشریحی کنکور سراسری ۹۵ الی ۱۴۰۴.....
۲۶۳	منابع

بخش اول

برنامه ریزی آموزشی

عناوین اصلی

♦ فصل اول: مفاهیم اساسی برنامه ریزی آموزشی

♦ فصل دوم: اصول برنامه ریزی آموزشی

♦ فصل سوم: تشریح سطوح برنامه ریزی آموزشی

فصل اول

مفاهیم اساسی برنامه ریزی آموزشی

- مفهوم برنامه ریزی درسی
- مفهوم برنامه ریزی آموزشی
- تعاریف برنامه ریزی
- تعریف آموزش و پرورش
- انواع برنامه ریزی های آموزشی
- سطوح برنامه ریزی آموزشی

مفاهيم اساسي برنامه‌ريزي آموزشي

مقدمه

برنامه‌ريزي آموزشي به مفهوم جديد آن شاخه‌اي از علوم تربيتي است كه نزديك به يك قرن از عمر آن مي‌گذرد. اين دانش جديد در خلال چند دهه اخير کاربردي گسترده در آموزش و پرورش كشورها يافته است؛ به‌طوري كه امروزه جزء لاينفك مديريت آموزش و پرورش رسمي تلقى مي‌شود.

برنامه‌ريزي آموزشي از سوي مديران و مسئولان، نظام‌هاي آموزشي را در اداره و اصلاح دستگاه تعليم و تربيت مدد مي‌رساند و از سوي ديگر، شيوه‌ها و الگوهايي را درخصوص توسعه آموزش و پرورش به‌منظور تامين نيروي انساني مورد نياز جامعه ارائه مي‌دهد. به عبارت ديگر، برنامه‌ريزي آموزشي داراي دو وجه دروني و بيروني است. يعني آنجا كه تجزيه و تحليل، پيش‌بيني و نحوه تامين نيازهاي نظام آموزش و پرورش مطرح است، اصول و روش‌هاي برنامه‌ريزي دروني به‌كار گرفته مي‌شود. اما هر وقت ايجاد پيوند بين آموزش و پرورش و نيازهاي جامعه به نيروي انساني مطمح نظر باشد، برنامه‌ريزي بيروني منظور است. از اين‌رو، در برنامه‌ريزي آموزشي، تعليم و تربيت با اقتصاد، جامعه‌شناسي، جمعيت‌شناسي، آمار، روان‌شناسي، مديريت و ... گره مي‌خورد و دانشي ميان‌رشته‌اي به‌وجود مي‌آورد كه کاربرد آن مي‌تواند در استقرار يك نظام آموزش و پرورش كارآمد، موثر واقع شود.

آموزش و پرورش عبارت است از فرايند كمك به جريان رشد انسان، اين فرايند به باور بسياري از صاحب‌نظران علوم تربيتي در طول تاريخ به سه شكل وجود داشته است: رسمي، نيمه‌رسمي و غيررسمي. به‌علاوه اين سه نوع آموزش و پرورش هريك داراي ويژگي‌هايي هستند كه آنها را از هم متمايز مي‌سازد.

در آموزش و پرورش رسمي كه متداول‌ترين شكل آن آموزش مدرسه‌اي است، اهداف کوتاه و بلندمدت آموزش پيشاپيش براساس جهان‌بيني و انتظارات جامعه تعيين مي‌شود. تحصيلات به سطوح مختلفي مانند پيش‌دبستاني، دبستاني، متوسطه و عالي تقسيم مي‌گردد. آموزش و پرورش نيمه‌رسمي به آموزش‌هايي اطلاق مي‌شود كه بيشتر ناظر بر مهارت آموزي است. طول مدت تحصيل در مقايسه با آموزش و پرورش رسمي، کوتاه‌تر است. محل آموزش مي‌تواند مكاني غير از مدرسه، دبيرانستان و يا دانشگاه باشد. زمان شروع و پايان آموزش انعطاف‌پذير است. همگون بودن گروه‌ها از لحاظ سني، از شروط الزامي شركت در دوره‌هاي آموزشي نيست.

آموزش و پرورش غيررسمي، از لحاظ اهداف، زمان، مكان، محتوا و روش آموزش با دو نوع آموزش و پرورشي قبلي تفاوت دارد. در بسياري از انواع آموزش غيررسمي، اهداف الزاما از پيش تعيين نمي‌شود. اعضاي خانواده، افراد خانواده، همگان، مسئولان مراکز فرهنگي، مجامع مذهبي و رسانه‌هاي همگاني در انتقال اين نوع آموزش‌ها نقش فراوان دارند.

مفهوم برنامه‌ريزي درسي

اصطلاح برنامه درسي داراي دو بعد است كه عبارتند از: طرح برنامه درسي و برنامه‌ريزي درسي. در طرح برنامه درسي مشخص كردن اجزا و عناصر برنامه درسي مطمح نظر است. اما در برنامه‌ريزي درسي، نحوه قرارگرفتن اين عناصر كنار هم موردنظر است.

مفهوم برنامه‌ریزی آموزشی

یکی از صاحب‌نظران این حوزه، برنامه‌ریزی آموزشی را روشی برای انتخاب منابع و اهداف طبق یک استاندارد می‌داند. در اصطلاحنامه مرکز منابع اطلاعات آموزشی آمده است: برنامه‌ریزی آموزشی، یعنی فرایند تعیین اهدا، روش‌ها، فعالیت‌ها، منابع و برنامه‌های موسسات آموزشی. فیلیپ کومبز، مدیر کل اسبق یونسکو، برنامه‌ریزی آموزشی را کاربرد روش‌های تحلیلی در مورد هر یک از اجزاء نظام آموزشی به‌منظور ایجاد یک نظام آموزشی کارآمد می‌داند.

تعریفی که کومبز در دهه ۱۹۷۰ از برنامه‌ریزی آموزشی کرده است تا به امروز مورد قبول بسیاری از صاحب‌نظران است.

ارتباط میان برنامه‌ریزی درسی، برنامه‌ریزی آموزشی و برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

هنگامی که برنامه‌ریزان توسعه، انتظارات اجتماعی، آرمان‌های دینی و فرهنگی و نیازهای بخش‌های اقتصادی به نیروی انسانی ماهر را برای یک برهه زمانی خاص و در قالب «برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» مشخص می‌کنند، برنامه‌ریزان آموزشی نیز تا آنجا که به آموزش و پرورش مربوط می‌شود، این انتظارات، آرمان‌ها و نیازها را در قالب اهداف آموزشی ترجمه و بیان می‌کنند. آنگاه برای تحقق این اهداف، به برآورد منابع مادی و انسانی دست می‌زنند و با به‌کارگیری خط‌مشی‌های مناسب و بهره‌گیری از منابع مادی و انسانی، راه وصول به اهداف مورد نظر را هموار می‌کنند. برنامه‌ریزان درسی نیز با الهام از انتظارات، آرمان‌ها و نیازهای جامعه و با توجه به اهداف نظام آموزش و پرورش، به تدوین ارائه دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی اقدام می‌کنند که قرار است دانش‌آموزان و دانشجویان کسب کنند.

برنامه‌ریزی آموزشی در اتحاد جماهیر شوروی سابق

برنامه‌ریزی آموزشی در مفهوم جدید آن، با تهیه و اجرای برنامه پنج‌ساله توسعه اتحاد جماهیر شوروی سابق، در دهه ۱۹۲۰ پا به عرصه وجود نهاد؛ زیرا در آن زمان برنامه‌های آموزشی به‌صورت مرکزی و در قالب برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری‌های شوروی سابق تهیه می‌شد.

در این نظام برنامه‌ریزی متمرکز، برنامه‌های آموزشی هم با الهام از سیاست‌های حزب کمونیست تنظیم و تدوین می‌شد و اهداف خاص هریک از سطوح و انواع آموزش مشخص می‌شد.

برنامه‌ریزی آموزشی در کشورهای اروپای غربی

استفاده از روش‌های برنامه‌ریزی آموزشی به شیوه جدید، در دهه ۱۹۴۰ در کشورهای اروپای غربی نیز رو به گسترش نهاد. در بریتانیا طبق قانون آموزش و پرورش سال ۱۹۴۴ تمامی مسئولان محلی آموزش و پرورش موظف شدند که برنامه‌هایی برای توسعه آموزش و پرورش تدارک ببینند.

در سال ۱۹۵۱ در کشور فرانسه نیز کمیته برنامه‌ریزی به‌وجود آمد و برنامه‌هایی را برای تامین تجهیزات مدارس و دانشگاه‌ها و توسعه علوم و هنر تدارک دید و در سال ۱۹۵۳ برنامه‌ریزی آموزشی به‌صورت جزئی از برنامه‌ریزی توسعه درآمد. سایر ممالک اروپایی نیز به‌تدریج از شیوه‌های جدید برنامه‌ریزی آموزشی سود جستند و به برنامه‌ریزی آموزشی توجه کردند.

برنامه‌ریزی آموزشی در این کشورها، به پیش‌بینی نیازهای کمی و کیفی بازار کار و تعیین نوع آموزش‌ها و کارآموزیها محدود بود.

برنامه‌ریزی آموزشی در کشورهای در حال توسعه

دهه ۱۹۵۰ مقارن با بروز تحولاتی در زمینه مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود و تاثیر شگرفی بر آموزش و پرورش جوامع در حال توسعه گذاشت.

تحولات سیاسی

پس از جنگ جهانی دوم و برقراری آرامش سیاسی در اروپا، بسیاری از کشورهای منطقه آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، که تحت سیطره دول اروپایی بودند، به‌تدریج شروع به کسب استقلال سیاسی کردند. از این‌رو برنامه‌ریزی آموزش و پرورش به شیوه مرکزی در این کشورها نضج گرفت و درون نظام‌های آموزش و پرورش این کشورها موسساتی برای برنامه‌ریزی آموزشی به‌وجود آمد.

تحولات اقتصادی

در اوایل دهه ۱۹۵۰ اقتصاددانان بر این باور بودند که رابطه‌ای مستقیم بین سطح آموزش و پرورش و بهره‌وری اقتصادی افراد وجود دارد؛ یعنی هر اندازه سطح تحصیلات یک فرد بیشتر باشد، نقش آن فرد در رشد اقتصاد ملی بیشتر خواهد بود.

تحولات اجتماعی

آموزش و پرورش در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نه تنها وسیله‌ای برای تامین نیروی انسانی تلقی می‌شد، بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای تحرک اجتماعی به‌شمار می‌رفت. یعنی تصور می‌شد که بالا رفتن سطح تحصیلات افراد موجب دستیابی آنان به مشاغل برتر و نیز سبب تغییر موقعیت و منزلت اجتماعی آنان خواهد شد.

نقش یونسکو و دیگر سازمان‌های بین‌المللی در گسترش برنامه‌ریزی آموزشی

سازمان تربیتی علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) از همان اوان تاسیس، کوشش‌هایی را برای تعمیم آموزش و پرورش و ریشه‌کنی بی‌سوادی در کشورهای در حال توسعه آغاز کرد و با ارائه کمک‌های فنی و مشورتی به کشورها و برگزاری کنفرانس‌ها و دوره‌های کارآموزی، زمینه استفاده از فنون و روش‌های برنامه‌ریزی در کشورهای مختلف را فراهم کرد. مثلاً این سازمان با تاسیس چهار دفتر منطقه‌ای در بانکوک، بیروت، داکار و سانتیاگو کشورهای مناطق مختلف را با تهیه برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش یاری کرده است.

این سازمان یک نهاد برنامه‌ریزی به نام موسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی تاسیس کرد. این موسسه از زمان بنیان‌گذاری تاکنون، در چهار زمینه تربیت کارشناس برنامه‌ریزی آموزشی، انجام تحقیقات، برگزاری دوره‌های آموزشی و انتشارات، فعالیت چشمگیری داشته است.

برنامه‌ریزی آموزشی در برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

اقداماتی در زمینه تدوین سیاست‌های کلی آموزشی در تمام سطوح انجام گرفت و در برنامه‌های درسی سطوح پیش از دانشگاه و دانشگاه تجدید نظرهایی کلی به عمل آمد؛ از جمله برای حاکم کردن روح و جهان‌بینی اسلامی بر نظام آموزشی و ایجاد همکاری بیشتر بین حوزه و دانشگاه تلاش‌های قابل توجهی انجام گرفت.

اولین کوشش‌ها درخصوص تهیه برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دی‌ماه ۱۳۶۰ آغاز شد. هدف‌های کمی کلان، میزان رشد، سرمایه‌گذاری و اشتغال، ترکیب صادرات و واردات و غیره مشخص شد.

چهار نهاد مختلف، یعنی ستاد انقلاب فرهنگی، سازمان برنامه و بودجه شورای گسترش آموزش عالی و سازمان سنجش و آموزش و کشور دست اندرکار تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه آموزش عالی شدند.

برنامه‌ریزی آموزشی در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

در استان‌ها شورای برنامه‌ریزی استان، شورای برنامه‌ریزی امور اجتماعی و نیروی انسانی، همچنین کمیته‌های برنامه‌ریزی آموزش و پرورش و آموزش عالی تشکیل شد.

برنامه‌ریزی آموزشی در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

تدوین دومین برنامه توسعه آموزش و پرورش، در چارچوب نظام برنامه‌ریزی، برنامه دوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، به شورای برنامه‌ریزی آموزش محول شد.

برنامه‌ریزی آموزشی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۹-۱۳۷۳)

برنامه‌ریزی آموزش و پرورش عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی کشور، مانند سایر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قالب برنامه سوم توسعه و با مسئولیت سازمان برنامه و بودجه انجام گرفت. این برنامه‌ها شامل سه مرحله به‌شرح زیر می‌باشد:

مرحله اول: الف) بررسی عملکرد گذشته، تبیین وضع موجود، مشکلات و تنگناها و نقاط قوت و ضعف ساختاری و عملکردی

ب) ارائه گزینه‌های مختلف و پیشنهاد گزینه مطلوب ج) رهنمودهای کلی برنامه سوم توسعه

مرحله دوم: تدوین برنامه‌های عملیاتی

مرحله سوم: تدوین برنامه‌های بخشی و استانی براساس قانون برنامه سوم و جهت‌گیری‌های آمایشی

تعاریف برنامه‌ریزی

در ابتدا به این مسئله اشاره می‌کنیم که هدف برنامه‌ریزی در اصل اعمال نفوذ در آینده و سوق دادن آن به مقصد دلخواه و مناسب است. از برنامه‌ریزی تعاریف متعددی صورت گرفته که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

برنامه‌ریزی

۱- به‌نظر راسخ: برنامه‌ریزی یعنی طرح تدابیری که بتوان به مناسب‌ترین صورت از منابع موجود برای نیل به هدف‌های مطلوب، استفاده کرد.

۲- از نظر فیلیپ کومز: برنامه‌ریزی فعالیتی مستمر است که نه تنها به مقصد، بلکه به روش رسیدن به آن و تعیین بهترین مسیر نیز توجه دارد.

۳- از نظر شیخ‌آوندی: برنامه‌ریزی یعنی تدابیری آگاهانه که از طرف مقامات دولتی برای تحقق هدف‌های معین (با توجه به روابط آنها با همدیگر و یا در نظر گرفتن رشد و هماهنگی همه امکانات برای رسیدن به این هدف‌ها)، اتخاذ می‌شود تا رشد اقتصادی و اجتماعی تمام جامعه، در یک دوره معینی از آینده تضمین شود.

۴- از نظر بومن و اندرسون: برنامه‌ریزی امر مستمر تصمیم‌گیری برای عمل در آینده است.

کار برنامه‌ریز، از نظر یان تین برگن، مولف کتاب «برنامه‌ریزی مرکزی» عبارت است از:

الف: پیش‌بینی و آینده‌نگری

ب) مشخص کردن هدف‌ها و دادن محتوا به هدف‌ها از آنجایی که هدف‌ها را دولتمردان (سیاست‌گذاران) تعیین می‌کنند، کار برنامه‌ریزان، محتوا بخشیدن به این هدف‌ها می‌باشد.

نکته مهم این است که برنامه‌ریز، به کلیه مسئولان، دولتمردان و سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری را اتخاذ کنند.

ج) ایجاد هماهنگی میان ابزارها، عوامل و وسایل مختلف برای اجرای سیاست

۵- از نظر فیوضات: برنامه‌ریزی فراگردی است مداوم، حساب‌شده و منطقی، جهت‌دار و دورنگر، به‌منظور هدایت و ارشاد فعالیت‌های جمعی، برای رسیدن به هدف‌های مطلوب

مفاهیم مستتر در برنامه‌ریزی

به نظر فیوضات در تعریف برنامه‌ریزی مفاهیم زیر پنهان است:

۱- مفهوم جریان و مداومت

برنامه‌ریزی با نوشتن برنامه تمام نمی‌شود، فراگردی است که باید مداوم باشد و با توجه به بازخورد نتایج، اطلاعات جدید، تغییر تکنولوژی، پیشرفت علوم، دگرگونی منابع و امکانات و تغییر اولویت‌ها و هدف‌ها، باید دائماً ارزیابی و کامل شود.

۲- مفهوم ارشاد و هدایت

کار برنامه‌ریزی با ارشاد، هدایت و دخالت در فعالیت‌های جمعی ممکن است. این مداخله می‌تواند به‌صورت متمرکز (الزامی) یا ارشاد (ترغیبی) و یا برای حل مشکل (موردی) باشد.

۳- مفهوم دورنگری و هدف‌گیری

برنامه‌ریزی فعالیتی است جهت‌دار و آینده‌نگر، بنابراین متناسب با نحوه انتخاب هدف می‌تواند فعالیتی باشد آینده‌نگر، آینده‌ساز، یا آینده‌گزین، اگر هدف برنامه‌ریزی، فقط پیش‌بینی آینده باشد، فعالیتی است آینده‌نگر. بعضی از برنامه‌ریزان اجتماعی معتقدند چون عوامل سازنده اجتماع پیچیده و به‌هم مرتبط است، تغییر و تبدیل‌شان نمی‌تواند تابع اراده و میل برنامه‌ریز باشد، پس فقط می‌توان به پیش‌بینی آینده و آماده‌شدن برای آن پرداخت.

اگر هدف برنامه‌ریزی، ساختن و شکل‌دادن به آینده باشد، فعالیتی است آینده‌ساز. شعار این نوع برنامه‌ریزان که مهندسان اجتماعی نامیده می‌شوند «آینده هم اکنون با ماست» می‌باشد. به نظر اینان چون اجتماع آینده را کودکان امروز خواهند ساخت، پس می‌توان آینده اجتماع را با آموزش و پرورش که اطفال به‌دست می‌آورند، تشخیص داد.

اگر هدف برنامه‌ریزی، انتخاب از بین اشکال مختلف آینده باشد، فعالیتی آینده‌گزین است. برنامه‌ریزان آینده‌گزین راهی بینابین آینده‌نگر و آینده‌سازها انتخاب کرده‌اند. به نظر این افراد، در عین اینکه انسان در شکل‌دادن به آینده می‌تواند کاملاً مؤثر باشد ولی باید واقع‌بین نیز بود، زیرا عوامل متعددی در اجتماع آینده مؤثرند که خود در حال تحول و دگرگونی می‌باشد.

۴- مفهوم تفکر و عقلانیت

برنامه‌ریزی فعالیتی حساب‌شده و منطقی است و باید به اطلاعاتی دقیق و صحیح متکی باشد، نیازها را تشخیص دهد، محدودیت‌ها، موانع و منابع موجود را محاسبه و پیش‌بینی کند، از مقایسه موانع با منابع حوزه امکانات را مشخص کند و در محدوده حوزه امکانات طرح‌های واقع‌بینانه‌ای را برای تحقق هدف تنظیم کند.

تعریف آموزش و پرورش

فعالیتی مداوم، جامع (کمال فردی، جمعی)، برای همه، برای رشد و تکامل انسان، غنای فرهنگ و تعالی جامعه است.

ابعاد آموزش و پرورش

این ابعاد به‌صورت نیاز در جامعه مطرح می‌شود که عبارتند از:

- ۱) نیازهای فردی: برای پرورش توانایی، بینش، خلاقیت، خودآگاهی و خویشتن‌یابی
 - ۲) نیاز اجتماعی: برای پرورش دگرآگاهی، تعاون و همکاری برای ساختن محیط اجتماعی زندگی
 - ۳) نیاز اقتصادی: برای پرورش کارایی و بهره‌وری نیروی انسانی، در تأمین رفاه زندگی و ساختن محیط مادی زیست
 - ۴) نیازهای فرهنگی: برای گسترش مرزهای دانش، معرفت، فن و هنر و ساختن محیط فرهنگی زیست
- به‌این ترتیب، آموزش و پرورش، هم نیازی مستقل و نهایی و هم وابسته و واسطه‌ای است. در مواردی که به رشد و تکامل فردی و غنای فرهنگی جامعه می‌پردازد. نیازی است، مستقل (یعنی هدف است)؛ در مواردی که برای نیل به خواسته‌ها و نیازهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی به‌کار می‌رود، نیازی وابسته است (یعنی واسطه است).

نظریات مخالف برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش

۱- عوامل ایدئولوژیک مخالف برنامه‌ریزی

برخی متفکران اجتماعی با توجه اینکه آموزش و پرورش می‌تواند نتایج زیان‌بخش نیز ایجاد کند با رژیم‌انترسیون، در قیدکردن، شکل‌دادن و انحصاری کردن آموزش و پرورش مخالفند.

۲- عوامل اداری و فنی مخالف برنامه‌ریزی

این دسته عوامل به‌دلیل نقایص و اشتباهات موجود در ماهیت یا چگونگی اجرای برنامه‌ریزی با آن مخالفند. ازجمله:
الف) نقص مدل‌های برنامه‌ریزی: جانستون (۱۹۷۴) بعد از بررسی ۱۲۳ مدل برنامه‌ریزی آموزشی نتیجه می‌گیرد این مدل‌ها تکامل لازم را پیدا نکرده‌اند.

ب) کمبود و نقص اطلاعات و آمار: برنامه‌ریزی آموزش و پرورش نیازمند آمار و اطلاعات دقیق است، ولی آمار و اطلاعات اغلب یا کامل نیستند یا دارای اشتباهات و نقص‌هایی می‌باشد.

ج) مشکلات پیش‌بینی برنامه: برنامه‌ریزی فعالیتی دورنگر است، پس تمام مسائلی که در آینده‌بینی، آینده‌گزینی وجود دارد مستقیماً در برنامه‌ریزی اثر می‌گذارد و آن را ضعیف می‌کند.

د) تغییرات عوامل محیط (مرتبط با مشکل قبل نیز است): عوامل اجتماعی، اقتصادی، طبیعی، تکنولوژیک و کیفیت و کمیت منابع مورد استفاده آموزش و پرورش تغییر و تحول می‌یابند و برنامه را به‌هم می‌زنند.

ه) تغییر متصدیان امر: برنامه‌ریزی مستلزم مداومت و پیگیری است؛ ولی در عمل مشاهده می‌شود با روی کارآمدن متصدیان جدید برنامه‌های گذشته نیمه‌کاره مانده و عوض می‌شود.

و) اشتباهات برنامه‌ریز (از نظر روش‌شناسی): بسیاری از اوقات متصدیان برنامه‌ریزی، خود به اصول برنامه‌ریزی وارد نیستند و روش‌های نامعقولی را اعمال می‌کنند.

ز) غلطبودن مفروضات برنامه: یکی از مفروضات برنامه‌ریزی آموزشی سپردن کار به کاردان است. برنامه‌ریزان آموزشی سعی می‌کنند با پیش‌بینی مشاغل و حرفه‌ها، افراد مورد نیاز را تأمین کنند. ولی در عمل مشاهده می‌شود افراد مشاغل دیگری انتخاب می‌کنند. البته تحولات تکنولوژیکی نیز ترکیب مشاغل را تغییر می‌دهند و بنیان مفروضات برنامه‌ریزی را سست می‌کنند.

نظریات موافق برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش

۱- عوامل ایدئولوژیک موافق برنامه‌ریزی

- آموزش و پرورش زیربنای اجتماع است و نمی‌توان آن را به پیشامدها واگذار کرد، همچنین فراهم‌آوری فرصت یکسان برای همه مردم لازم است زیرا زیربنای عدالت اجتماعی است.
- آموزش و پرورش جهت‌کاری و بهره‌وری افراد و رشد اقتصادی و دانش لازم است.
- آموزش و پرورش جهت غنای فرهنگی و در نتیجه اعتلای کیفیت زندگی لازم است.
- آموزش و پرورش جهت بقای رشد، ترقی، کمال انسانی و اجتماعی لازم است.

۲- عوامل اداری و فنی موافق برنامه‌ریزی

- برنامه‌ریزی متضمن داشتن هدف و بسیج نیروها است.
- برنامه‌ریزی متضمن هماهنگی فعالیت‌هاست.
- برنامه‌ریزی متضمن افزایش بازده کار و سرمایه است.
- نداشتن برنامه‌ریزی موجب نابسامانی است.

تعاریف برنامه‌ریزی آموزش و پرورش

بعضی از برنامه‌ریزان آموزش و پرورش معتقدند که کار برنامه‌ریز بعد از تعیین هدف‌ها و سیاست کلی آموزش و پرورش آغاز می‌شود. ادگار فور و همکارانش، کار برنامه‌ریز را در حقیقت تنظیم تدابیر و طرح‌هایی برای رسیدن به هدف‌هایی که قبلاً مشخص شده‌اند، می‌دانند. بنابر توصیف این گروه، وظایف فعالیت و برنامه‌های آموزش و پرورش در سه مرحله مشخص می‌شود: سیاستگذاری آموزش و پرورش، تعیین راهبرد آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش.

راسخ می‌گوید: کار برنامه‌ریز این است که مجموعه نظام تعلیم و تربیت جامعه‌ای را در مسیر رشد اقتصادی و اجتماعی و در راه وصول به هدف‌های دیگر ملی به حرکت اندازد. کار برنامه‌ریز تعیین هدف‌ها نیست بلکه تدبیر وسایل است. وظیفه برنامه‌ریز باید بیشتر به سازکردن وسایل مصروف باشد. تعیین هدف‌های مطلوب غالباً به‌دست برنامه‌ریز نیست.

کومبز، برنامه‌ریزی آموزشی را کاربرد تجزیه و تحلیل منطقه در آموزش و پرورش به‌منظور افزایش کارایی و تأثیر آن در رفع نیازهای دانش‌آموزان، دانشجویان و جامعه می‌داند.

بعضی دیگر از برنامه‌ریزان آموزش و پرورش، هدف را راهنمای برنامه و جزء ارکان برنامه‌ریزی می‌دانند. لکت، برنامه‌ریزی آموزش و پرورش را فراگرد تعیین هدف‌های مناسب، تشخیص مسائل و نیازها، امکانات و محدودیت‌ها و تنظیم فعالیت‌ها و برنامه‌ها، برای رسیدن به هدف‌ها تعریف می‌کند.

کارشناسان یونسکو در کتاب «برنامه‌نویسی آموزش و پرورش» معتقد هستند: برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، برداشت‌هایی منطقی و عملی برای حل مسائل آموزشی است و آن مشتمل است بر تعیین هدف‌ها و منابع، بررسی روش‌های مختلف عمل و انتخاب عاقلانه بین آنها، تصمیم‌گیری در اهداف مشخص شده در محدودیت‌های زمانی معین و بالاخره اتخاذ بهترین تدابیر و وسایل برای تحقق دقیق این تصمیمات.

بنابر تعریف یونسکو، برنامه‌ریزی آموزشی مستقل بر اقدامات زیر است:

- ۱- مشخص کردن هدف‌های آموزش و پرورش
- ۲- شناسایی وضع کنونی آموزش و پرورش و روند آن
- ۳- سنجیدن راه‌های مختلف
- ۴- پیاده کردن برنامه

زیملمان معتقد است برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، فراگردی مشتمل بر تعیین نیازهای آموزش و پرورش، تنظیم استراتژی برای برآوردن این نیازها، تهیه طرح‌ها و پروژه‌های اجرایی و گردآوری آنها در یک مجموعه یا سند است.

تعریف برنامه‌ریزی آموزشی و محدوده آن (فریده مشایخ): برنامه‌ریزی آموزشی عبارت است از کاربرد روش‌های تحلیلی در مورد هریک از اجزای نظام آموزشی و هدف آن استقرار یک نظام آموزشی کارآمد است. آنچه مسلم است، برنامه‌ریزی بدون هدف‌گیری معنی و مفهومی ندارد. هدف، پایه و اساس و جان برنامه است. تعیین هدف مبنای برنامه‌ریزی است.

انواع برنامه‌ریزی آموزش و پرورش

اصطلاح برنامه‌ریزی آموزش و پرورش به جای چند مفهوم به کار می‌رود. ما برای این مفاهیم اصطلاحات زیر را به کار خواهیم بود:

- برنامه‌ریزی درسی
- طرح‌ریزی آموزش و پرورش
- برنامه‌ریزی نیروی انسانی
- برنامه‌ریزی آموزش و پرورش

برنامه‌ریزی درسی

به عبارت ساده شامل تعیین محتوای برنامه دروس است. گاهی در مفهوم بسیار محدود آن مربوط به تعیین محتوای یک درس به خصوص می‌شود. مثل برنامه‌ریزی درسی فارسی کلاس پنجم؛ ممکن است شامل محتوای یک موضوع در یک دوره آموزشی باشد. مانند برنامه‌ریزی دروس فارسی دوره دبستان یا شامل تعیین محتوای دروس یک رشته آموزشی؛ مانند برنامه‌ریزی درسی رشته فنی و حرفه‌ای، یا آنکه شامل تعیین محتوای کلیه دروس شود؛ چون برنامه‌ریزی درسی دوره دبستان و... . برنامه‌ریزی درسی در حقیقت جزئی از برنامه‌ریزی آموزش و پرورش است.

برنامه‌ریزی نیروی انسانی

شامل برنامه‌ریزی برای تربیت عمومی کارکنان است و مستقیماً با برنامه‌ریزی اقتصادی مربوط است و با دیگر ابعاد آموزش و پرورش از قبیل پرورش اجتماعی، فردی و هنری، مستقیماً کاری ندارد و به تربیت افراد برای دنیای کار می‌پردازد از کارگران نیمه‌ماهر گرفته تا تکنسین‌ها، مهندسان، دکترها، معلمان و استادان و سایر متخصصان. بعضی اصطلاح «توسعه منابع انسانی» را به جای آن به کار می‌برند، این قبیل برنامه‌ریزی‌ها نیز جزئی از برنامه‌ریزی آموزش و پرورش به شمار می‌رود.

طرح‌ریزی آموزش و پرورش

طرح‌ریزی به تهیه برنامه‌های مشخص و ویژه آموزش و پرورش اطلاق می‌شود؛ چون طرح تهیه کتاب‌های درسی، طرح مبارزه با بی‌سوادی، طرح تربیت معلم و حرفه‌ای و... . معمولاً یک طرح آموزشی باید دارای هدفی کاملاً مشخص، دقیق و قابل اندازه‌گیری باشد. ارزیابی آموزشی نیز یکی از اجزای برنامه‌ریزی آموزش و پرورش به شمار می‌رود.

برنامه‌ریزی آموزش و پرورش

کلیه ابعاد و ارکان آموزش و پرورش و تمام ابعاد اجتماعی و اقتصادی چه رسمی و غیر رسمی، چه توسط سازمان‌های آموزش و پرورش یا مؤسسات و سازمان‌های دیگر، همه را شامل می‌شود. برنامه‌ریزی آموزش و پرورش با توجه به نوع برنامه از دیدگاه زمان عمل، حیطه و دامنه عمل و چگونگی عمل به چند گونه تقسیم می‌شود:

انواع برنامه‌ریزی‌های آموزشی

الف) برنامه‌ریزی آموزشی از نظر زمان عمل به سه دسته تقسیم می‌شود:

- ۱- برنامه کوتاه مدت (از ۱ تا ۵ سال)
- ۲- برنامه میان مدت (از ۵ تا ۱۰ سال)
- ۳- برنامه درازمدت (از ۱۰ سال به بالا)

ب) برنامه‌ریزی آموزشی را از نظر حیطة و دامنه عمل، به شش دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱- برنامه‌کلان: برنامه‌های کلان به برنامه‌هایی اطلاق می‌شود که معمولاً جامع است و در تمام کشور باید اجرا شود؛ مثل برنامه‌ریزی آموزش و پرورش ایران در بیست سال آینده

۲- برنامه‌های خرد: برنامه‌های خرد بیشتر به برنامه‌ریزی ویژه در سطح محلی و موسسه‌ای گفته می‌شود، مثلاً برنامه‌ریزی دانشگاه مشهد

۳- برنامه ملی: برنامه‌های ملی به برنامه‌هایی گفته می‌شود که در تمام کشور اجرا می‌شود. برنامه‌های ملی ممکن است جنبه «جامع» داشته باشد؛ مثل برنامه‌های پنج ساله آموزش و پرورش در کشور یا آنکه متوجه بخش «ویژه‌ای» باشد، مثل برنامه تربیت معلم در کشور

۴- برنامه‌های محلی: برنامه‌های محلی شامل برنامه‌هایی است که برای یک استان، شهرستان، یا تقسیمات دیگر منطقه‌ای و کشوری تهیه و تنظیم می‌شود. برنامه‌های محلی می‌تواند از نوع «جامع» باشد. مثل: برنامه آموزش و پرورش خراسان؛ یا از نوع «ویژه» مثل تعلیمات فنی و حرفه‌ای یزد

۵- برنامه‌های جامع: به برنامه‌هایی گفته می‌شود که تمام عوامل و عناصر و اجزاء یک واحد آموزش و پرورش را دربر می‌گیرد. برنامه‌های جامع می‌تواند در سطح «محلی» یا موسسه‌ای باشد، مثل برنامه جامع دانشگاه تربیت معلم یا آنکه در سطح «ملی» باشد، مثل برنامه‌ریزی آموزش و پرورش ابتدایی کشور

برنامه‌ریزی ویژه: برنامه‌ریزی ویژه به تهیه برنامه‌هایی گفته می‌شود که بخش‌های ویژه‌ای از آموزش و پرورش و فعالیت‌های آن را دربر می‌گیرد.

ج) برنامه‌ریزی آموزشی را از نظر چگونگی عمل به سه دسته تقسیم می‌کنند:

۱- برنامه‌ریزی متمرکز - الزامی: این نوع برنامه‌ریزی در کشورهای «سوسیالیستی» معمول است که به اقتصاد رژیم معروف است، در این قبیل کشورها برنامه‌ریزی جنبه نهاد پیدا کرده و کانون همه فعالیت‌های اجتماعی است؛ زیرا معتقدند هدایت کلیه فعالیت‌های جمعی باید تحت کنترل و نظارت هیأت حاکمه و طبق برنامه باشد و بنابراین تمام دستگاه‌های اجرایی ملزم به پیاده‌کردن و اجرای برنامه‌ریزی هستند.

۲- برنامه‌ریزی ارشادی - ترغیبی: این نوع برنامه‌ریزی در کشورهای «غیرسوسیالیستی» معمول است. در این هیئت کشورها به خاطر رژیم و ساخت سیاسی و اقتصادی آنها، برنامه‌ریزی جنبه نهاد ندارد و تمام فعالیت‌های جمعی لزوماً از طرف هیأت حاکمه نظارت و هدایت نمی‌شود. به این ترتیب، از نظر اجرائی برنامه‌ریزی در مورد اموری که در اختیار دولت نیست، نمی‌تواند الزامی باشد و ناچار است حالت ارشادی و ترغیبی به خود بگیرد. این گونه برنامه‌ریزی از نظر تسهیل «نوآوری و پویای فرهنگی» مزیت دارد، ولی مشکلاتی نیز به بار می‌آورد از جمله، پیداشدن شکاف بین کیفیت آموزش و پرورش بخش‌های غنی و فقیر و تعارض بین خط‌مشی‌های ملی و نظرهای محلی است.

در این برنامه‌ریزی دولت مرکزی نمی‌تواند واحدهای آموزش و پرورش محلی را وادار سازد که برنامه‌های خاص را اجرا کند و ناچار است از راه ارشاد و ترغیب وارد شود، مثلاً ارائه کمک‌های مالی را مشروط به اجرای برنامه‌های خاص خود کند.

۳- برنامه‌ریزی مشکل‌گشایی - موردی: این نوع برنامه‌ریزی، جامعیت ندارد و درازمدت نیست. برنامه‌ریزی موردی، بیشتر در کشورهای جهان سوم متداول است و هدف آن این است که نوآوری‌ها و اصلاحاتی را در خرده‌سیستم‌های آموزش و پرورش، به بار بیاورد و جنبه گره‌گشایی و رفع موانع دارد. بعد آینده‌بینی این نوع برنامه‌ریزی چندان قوی نیست و بیشتر به مقابله با «مسائل و رفع ضرورت‌های روز» تاکید دارد. به عنوان مثال اگر دیده شود که کمبود معلم موجب عدم توسعه آموزش رسمی شده است، برنامه‌هایی برای رفع مشکل مزبور می‌ریزند.

۴- تاریخچه برنامه‌ریزی آموزش و پرورش: برنامه‌ریزی به مفهوم «نقشه‌کشی برای آینده» فراگردی است که همواره با اجتماعات انسانی همراه است. بعضی تاریخچه برنامه‌ریزی را به «افلاطون» در کتاب «جمهوریت» رسانیده‌اند، اما برنامه‌ریزی به صورت علمی دستاورد قرون جدید است.

در قرن ۱۶ «جان ناکس»، یک برنامه توسعه برای اسکاتلند طراحی کرد، اولین برنامه‌ریزی آموزشی منظم در سال ۱۹۲۳ به صورت متمرکز - الزامی در شوروی سابق آغاز شد. کشورهای غربی بعد از بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰ به برنامه‌ریزی از نوع

ارشادی- ترغیبی روی آوردند. کشورهای جهان سوم هم بعد از جنگ جهانی دوم به توسعه و برنامه‌ریزی برای نیل به آن پرداختند. در ایران، بعد از جنگ جهانی دوم برنامه عمرانی هفت‌ساله در سال ۱۳۲۸ شمسی پیاده شد. سر منشا اصلی برنامه‌ریزی آموزشی کمبود نیروی انسانی برای فعالیت‌های اقتصادی بوده است. قرن ۲۰ در اصل قرن برنامه‌ریزی و توسعه و رشد است. سازمان ملل متحد به‌منظور کمک به جریان توسعه کشورهای فقیر، دهه ۱۹۶۰ را نخستین دهه توسعه نامید.

همه کشورهای صنعتی در این مدت چهار مرحله آموزشی را گذراندند که عبارتند از:

الف) مرحله تجدید بنا: کشورهای درگیر جنگ اروپا، بعد از جنگ جهانی دوم، خود را در مقابل نظام آموزشی از هم گسیخته‌ای دیدند. در این کشورها نیازهای آموزشی انجام نشده، روی هم انباشته بودند، بنابراین این کشورها تصمیم به عادی‌کردن وضعیت آموزشی خود کرده‌اند، به این منظور دست به طرح‌های فوری مثل ساختن مدرسه، استخدام معلم و تدوین برنامه فشرده تربیت معلم، زدند.

ب) مرحله تأمین نیروی انسانی: به زودی نظام‌های آموزشی خود را در مقابل وظیفه فراهم ساختن نیروی انسانی مشاهده کردند زیرا از نظام‌های آموزشی خواسته می‌شد که منابع انسانی لازم را برای اقتصاد در حال توسعه پس از جنگ تربیت کنند.

ج) مرحله گسترش بی‌حساب: از اواسط سال‌های ۱۹۵۰ به بعد، در نتیجه پاسخ به تقاضاها، تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان، به‌خصوص در سطوح دبیرستان و دانشگاه بی‌تناسب افزایش یافت.

د) مرحله نوآوری: این انفجارها، نظام‌های آموزشی کشورهای غربی را به مرحله نوآوری سوق داد، برنامه‌ریزی جدیدی موردنظر قرار گرفت که باید در خدمت استراتژی تحول و تطبیق آموزشی با محیط باشد. بعد از جنگ جهانی دوم، با توجه به اینکه کشورهای در حال توسعه به اقتباس از نظام‌های آموزشی کشورهای پیشرفته، بدون توجه به انطباق آن نظام‌ها به فرهنگ خود پرداختند، مشکلاتی برای آنها به وجود آمد از قبیل:

۱) ناهماهنگی اتلاف‌زا در داخل نظام آموزشی (عدم هماهنگی در مقاطع تحصیلی و اجزای تشکیل‌دهنده آموزش و پرورش، مثلاً مدرسه، معلمین یا کتب درسی)

۲) فشار تقاضا بیش از ظرفیت (افزایش جمعیت دانش‌آموزی)

۳) سبقت افزایش هزینه نسبت به افزایش درآمد

۴) مشکلات غیرمالی (مدیریت، معلم، ساختمان و...)

۵) بیکاری تحصیل‌کرده‌ها

۶) آموزش از نوع غلط (آموزش و پرورش وارداتی)

مراحل تحول برنامه‌ریزی آموزشی

۱- مرحله آگاهی به ضرورت برنامه‌ریزی آموزشی

بعد از جنگ جهانی دوم که نیازها رو به گسترش بودند ولی منابع ثابت بود کارشناسان به اولویت‌بندی نیازها و برنامه‌ریزی آموزشی پرداختند. از جمله اصولی که برنامه‌ریزان به آن پی بردند این بود که به دلیل عدم تفاوت در شرایط اجتماعی و اقتصادی، نمی‌توان برنامه‌ریزی آموزشی را با فرمول و شکل یکسانی در همه کشورها به‌کاربرد.

۲- مرحله توجه به برنامه‌ریزی‌های ویژه و خرد

عمومیت دادن به تعلیمات ابتدایی از جمله برنامه‌ریزی‌های مهم در جهان سوم بود که جنبه کمیته داشتند. مثلاً در طرح واشنگتن برای کشورهای آمریکای لاتین یا طراحی کراچی برای کشورهای آسیا و هدفها افزایش نسبت مدرسه‌روها در سنین ابتدایی بود.

۳- مرحله توجه به اصل جامعیت و به‌هم پیوستگی فعالیت‌های آموزش و پرورش

آموزش و پرورش در تمام مراحل در همه جا و در همه سنین صورت می‌گیرد و علاوه بر آموختن مطالب درسی شامل رشد فکری، عاطفی، اجتماعی و... است. آموزش و پرورش با مسائل پیچیده زیادی روبه‌روست و علاوه بر محدوده تعلیمات ابتدایی مسائل دیگری را نیز دربر می‌گیرد؛ مانند:

- برنامه‌ریزی تعلیمات پیش از دبستان

- برنامه‌ریزی ادامه تحصیل شاگردان دوره ابتدایی
- برنامه‌ریزی تعلیمات متوسطه
- برنامه‌ریزی تعلیمات فنی و حرفه‌ای که مستقیماً با مسئله تأمین نیروی انسانی مرتبط است.
- برنامه‌ریزی تربیت معلم: با چهار موضوع کمیت، کیفیت، زمان، اعتبارات در تربیت معلم روبه‌رو می‌شویم.
- برنامه‌ریزی تعلیمات بزرگسالان: این برنامه در ایران سوادآموزی تابعی نام دارد.
- برنامه‌ریزی تعلیمات دانشگاهی
- برنامه‌ریزی فعالیت فرهنگی (شامل کتاب و کتابخانه‌ها، موزه‌ها، تئاتر، موسیقی و مراکز هنری)
- برنامه‌ریزی آموزشی غیررسمی خارج از مدرسه (آموزش مادران و خانواده و جوانان): دامنه این آموزش‌ها به مراتب وسیع‌تر از آموزش رسمی است.

برنامه‌ریزی آموزش مداوم: به مفهوم زگهواره تا گور دانش بجوی

۴- مرحله توجه به اصل مداومت و ارزیابی

آموزش و پرورش امری نیست که یکبار اجرا شود و تمام شود. در عین برنامه‌ریزی آموزشی و اجرای حوادث اجتماعی، فرهنگی و تغییرات دیگر به‌وجود می‌آید که موجب می‌شود آموزش و پرورش فراگردی مداوم باشد. توجه به این اصل موجب شده، کنفرانس‌ها و مجمع‌های برنامه‌ریزی بین‌المللی هر چند سال یکبار تجدید شوند.

۵- توجه به اصل هماهنگی برنامه‌ریزی آموزش و پرورش با برنامه‌های عمرانی

آموزش و پرورش در ارتباط با آرمان‌های ملی و تعالی اجتماعی هم هدف است و هم وسیله هدف است، زیرا برای غنای فرهنگی و تعالی و تکامل فکری لازم است. وسیله است، زیرا برای علامت و برقراری روابط سالم اجتماعی، همچنین تأمین نیروی انسانی برای گردش چرخ‌های اقتصادی ضرورت دارد. یکی از مهم‌ترین دلایلی که برنامه‌ریزان کشورهای مختلف را به لزوم هماهنگ ساختن برنامه‌ریزی آموزشی با برنامه‌ریزی اقتصادی متوجه ساخت، مسئله کمبود یا عدم تعادل نیروی انسانی در این کشورها بود خصوصاً در کشورهای جهان سوم، مهم‌ترین عاملی که گذشته از محدودیت منابع مادی، راه پیشرفت و توسعه اقتصادی را می‌سازد، کمبود و عدم تعادل نیروی انسانی است.

۶- مرحله توجه به اصل بهبود کیفیت آموزش و پرورش

در دهه ۱۹۷۰-۱۹۶۰ کیفیت آموزش‌دیدگان اهمیت پیدا کرد. توجه به مسائلی مانند اصلاح و بهبود برنامه درسی و محتوای آموزشی، روش تدریس، وسیله تدریس، تربیت معلم و ... ایجاد شد.

۷- مرحله توجه به برنامه‌ریزی درازمدت آموزش و پرورش

پس از بررسی کیفیت، هماهنگی و جامعیت آموزش و پرورش باید به برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت توجه کرد. برنامه‌ریزی‌های قبلی اغلب کوتاه‌مدت بودند. یونسکو اعلام کرد که بیشتر کشورهای اروپای شرقی برنامه ۲۰ ساله دارند که به دوره‌های ۵ ساله تقسیم شده و هر دوره نیز طرح‌ها و هدف‌های مشخص سالیانه دارد. بعضی کشورها نیز مانند سوئد به برنامه‌ریزی زنجیره‌ای دست زده‌اند به این صورت که برنامه مالی میان‌مدت پنج ساله می‌شود، ولی در پایان هر سال که گذشت یک سال دیگر به پایان برنامه اضافه می‌شود. حسن این برنامه‌ریزی این است که دارای انعطاف است و با پیشرفت زمان پیش می‌رود.

تاریخچه برنامه‌ریزی آموزش و پرورش در ایران

پس از جنگ دوم در اوایل سال ۱۳۲۵ با تشکیل هیئت کمیته برنامه، شالوده سازمان برنامه ریخته شد. اولین برنامه در سال ۱۳۲۷ جهت رشد اقتصادی تدوین شد.

سه نوع برنامه‌ریزی در ایران به شرح زیر است:

- ۱- برنامه‌ریزی‌های پراکنده، ناهماهنگ و کوتاه مدت
- ۲- برنامه‌های مستقل وزارتخانه‌ای، بدون هماهنگی، بلندمدت
- ۳- برنامه‌های جامع و هماهنگ اقتصادی اجتماعی

برنامه‌ریزی در ایران تا قبل از سال ۱۳۲۷ شمسی از نوع دسته اول بوده و طی برنامه‌های هفت ساله اول و دوم به گروه دوم رفته و در برنامه سوم و چهارم و پنجم رو به جامعیت و هماهنگی کلیه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نهاده است. خصوصیات جالب این سه برنامه؛ تاکید الویت توسعه آپ، تمایل به برنامه‌ریزی درازمدت، توجه به جامعیت و پیوستگی داخلی و توجه به همبستگی خارجی برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، توجه به کیفیت و نوآوری، توجه به ملازمات اداری و اجرایی و زیربنایی، توجه به ساخت و گرایش به مشارکت و همکاری در خدمات آموزش و پرورش است. درواقع در این دوره‌ها سعی شد به اصول واقع‌بینی و ضمانت اجرایی توجه شود. مسائل و مشکلاتی که از سنجش عملکرد برنامه‌ها، مشخص شده به شرح زیر است:

- ناهماهنگی و گسیختگی برنامه‌ریزی
- کمبود اطلاعات و آمار
- وسعت احتیاجات در مقابل کمبود منابع
- جوانی جمعیت
- گران باری اولیه؛ زیرا شکاف بین وضع مطلوب آموزشی و وضع موجود بسیار زیاد بود.
- بالا بودن هزینه سرانه آموزش و پرورش
- شهرگرایی
- نبود ارزیابی و تحقیق
- در کشور ما، شش دوره برنامه‌ریزی به شرح زیر اجرا شده است:
- برنامه عمرانی اول (برنامه هفت ساله اول) (از سال ۱۳۲۷ تا نیمه سال ۱۳۳۴): نخستین برنامه توسعه آپ (توسعه فرهنگ) شامل چند طرح بود که به توصیه مشاوران ماورای بحار (کارشناسان موسسه آمریکایی) تهیه شده بود و به تصویب سازمان برنامه رسید.
- برنامه عمرانی دوم (برنامه هفت ساله دوم) (از نیمه سال ۱۳۳۴ تا نیمه سال ۱۳۴۱): سازمان برنامه با همکاری وزارت فرهنگ، طرح‌هایی برای توسعه آپ تنظیم و اعتباراتی برای اجرای آنها در نظر گرفت و ۱۵ درصد اعتبار امور اجتماعی به آپ اختصاص یافت و اعتبارات به تامین ساختمان‌ها در شهرها، تامین تجهیزات و وسایل، چاپ کتاب، اعزام محصل و عملیات فرهنگی تخصیص داده شد. از جمله هدفهای این برنامه بالابردن سطح فرهنگ بود.
- برنامه عمرانی سوم (از نیمه سال ۱۳۴۱ تا پایان سال ۱۳۴۶): این برنامه که ۵ ساله بود، به برنامه توسعه آموزش ابتدایی توجه خاص نمود. گرچه از سال ۱۲۹۰ هجری شمسی تعلیمات ابتدایی اجباری اعلام شده بود ولی برنامه اجرایی لازم برای آن وجود نداشت و دولت وقت تصویب کرد که برنامه آموزش ابتدایی را از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۱ طی چهار برنامه پنج‌ساله به اجرا درآورد و برنامه دراز مدت ۲۰ ساله برای آموزش ابتدایی رایگان و اجباری در ایران ارائه شد.
- برنامه عمرانی چهارم (از سال ۱۳۴۷ تا پایان سال ۱۳۵۱): در دومین برنامه پنج ساله به موجب قانون تاسیس وزارت علوم و آموزش عالی (مصوب ۱۳۴۶) مسئولیت برنامه‌ریزی آموزشی در کلیه سطوح تحصیلی به این وزارتخانه داده شد و دفتر مرکزی برنامه‌ریزی سازمان برنامه نیز در تهیه برنامه‌های آموزشی مشارکت داشت.
- در آغاز این برنامه، تغییراتی در مقاطع تحصیلی داده شد از جمله؛ دوره ابتدایی از ۶ سال به ۵ سال تقلیل داده شد و در حد فاصل دوره ابتدایی و متوسطه یک دوره سه ساله راهنمایی به‌وجود آمد، همچنین دوره متوسطه از ۶ سال به چهار سال کاهش یافت.
- هدف از ایجاد دوره راهنمایی شناختن استعداد و شایستگی جوانان برای تحصیل در رشته‌های مختلف بود. به طور کلی اهداف این برنامه عمرانی بهبود کیفیت و کمیت سطوح کودکستانی و ابتدایی، تشخیص استعدادها، توزیع متعادل دانش‌آموزان متوسطه در رشته‌های نظری و فنی و حرفه‌ای، بالابردن سواد در بین گروه‌های سنی ۴۵-۱۰ به میزان ۶۰ درصد، بهبود کیفیت آموزش عالی، بی‌نیاز کردن کشور از اعزام دانشجو به خارج و استفاده از رادیو و تلویزیون آموزشی حتی برای تعلیمات سالمندان عنوان می‌شد.
- برنامه عمرانی پنجم (از سال ۱۳۵۲ تا پایان سال ۱۳۵۶): سومین برنامه پنج‌ساله توسط موسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی وابسته به وزارت علوم تنظیم شد. اهداف برنامه ظاهراً توسعه کمی آموزشی ازجمله تعمیم آموزش ابتدایی، ریشه‌کن‌سازی بی‌سوادی، توسعه سریع آموزش فنی و آموزش عالی به‌منظور تامین نیروی انسانی مورد نیاز بود.

- برنامه عمرانی ششم: روند این برنامه با برنامه‌ریزی قبلی تفاوت چندانی نداشت. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ اجرای این برنامه متوقف شد.
- برنامه‌ریزی آموزشی در قالب برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: با آغاز انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۸ و تشکیل شورای عالی برنامه‌ریزی اقداماتی در زمینه تدوین سیاست‌های کلی آموزشی در تمام سطوح صورت گرفت و در برنامه‌های درسی سطوح پیش‌دانشگاهی و دانشگاهی تجدیدنظری‌هایی کلی انجام شد. توجه در این دوره برای حاکم کردن روح و جهان‌بینی اسلامی و همکاری بین حوزه و دانشگاه بود. سهمیه‌های دانشجویی برای جذب داوطلبان مناطق محروم به دانشگاه‌ها اختصاص یافت، مدارس و دانشکده‌های خصوصی بیگانگان لغو شدند و موسسات آموزش عالی غیردولتی از جمله دانشگاه آزاد در این مدت ایجاد شد و گسترش یافت. در زمینه اعزام دانشجویان به خارج اقدام شد. آموزش عالی غیرپزشکی و آموزش عالی پزشکی به دو وزارتخانه تفکیک شد.
- برنامه‌ریزی آموزشی در قالب برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳-۱۳۶۸): بعد از متوقف شدن جنگ تحمیلی به منظور تهیه برنامه‌های آموزشی، شورای مشترک برنامه‌ریزی بخشی در آ.پ، آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای مستقل از هم شکل گرفت. شوراهای برنامه‌ریزی استان نیز زیر نظر آنها شکل گرفت. نظر به این بود که شوراهای برنامه‌ریزی شهرستان، بخش و ده هم تشکیل شود ولی عملی نشد.
- برنامه‌ریزی آموزشی در قالب برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸-۱۳۷۴): تدوین دومین برنامه توسعه آ.پ به شورای برنامه‌ریزی آموزش محول گردید. اعضای شورا که متشکل از وزیر آ.پ، فرهنگ و آموزش عالی، کار و امور اجتماعی، نماینده سازمان برنامه و بودجه، نماینده دانشگاه آزاد و چند متخصص بودند، در سال ۱۳۷۱ فعالیت تهیه برنامه را آغاز کردند.

سطوح برنامه‌ریزی آموزشی

- عده‌ای از مولفان، سطوح برنامه‌ریزی را شامل کلان، میانه، خرد موسسه‌ای می‌دانند. برخی دیگر سطح فراکلان را نیز به این سطوح اضافه می‌کنند.
- «بر مبنای پرسش‌ها و مقاصدی که در برنامه‌ریزی استراتژیک مطرح است می‌توان سطح‌های گوناگونی برگزید. در اینجا سه سطح برنامه‌ریزی استراتژیک پیشنهاد می‌شود. این پیشنهاد بر مبنای سازمان ذی‌نفع، شامل سه سطح می‌شود: خرد، کلان و فراسوی کلان. برنامه‌ریزی در سطح کلان شامل سازمان آموزشی، مدرسه و یا نظام آموزشی می‌شود. برنامه‌ریزی در سطح خرد که فرد یا گروه‌های کوچک، مانند مدیریت مدرسه یا مربیان را دربر می‌گیرد.»
- آرتور جی. دیویس، سطوح برنامه‌ریزی را به شرح ذیل طبقه‌بندی کرده است:
- الف) برنامه‌ریزی نظام‌های آموزشی در سطوح ملی، ایالتی و استانی
- ب) برنامه‌ریزی موسسه‌ای در مقیاسی وسیع، در سطح واحدهای مربوط به مجتمع‌های آموزشی عمدتاً در سطوح متوسطه و عالی
- ج) برنامه‌ریزی طرح یا پروژه
- کوپ در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی در سطح موسسه» موسسات آموزشی را شامل فراموسسه، دانشگاه، موسسه جامع و آموزشکده محلی و فنی می‌داند.
- برنامه‌های بلندمدت یا میان‌مدتی که به وسیله سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو و سازمان‌های منطقه‌ای مانند ایسکو طراحی و تهیه شود، برنامه‌ریزی در سطح فراکلان تلقی می‌گردد. از برنامه‌ریزی در سطح کلان، برنامه‌ریزی‌هایی است که برای اجرا در سطح ملی یا کشوری صورت می‌گیرد. در برنامه‌ریزی خرد، حیطه فعالیت شامل آموزش و پرورش یک منطقه، چند بخش یا چندین منطقه روستایی است.
- در برنامه‌ریزی موسسه‌ای ممکن است واحد برنامه‌ریزی، یک دانشگاه، یک دانشکده، یک مجتمع آموزشی، یک دبیرستان یا یک مدرسه ابتدایی باشد. سرانجام منظور ما از برنامه‌ریزی در سطح طرح یا پروژه، برنامه‌ریزی برای تغییر، اصلاح و یا نوآوری در آموزش و پرورش است.
- برنامه‌ریزی آموزشی در سطح فراکلان به برنامه‌های بلندمدت یا مدت‌دار گفته می‌شود.

برنامه‌ای بلندمدت (بیست‌ساله) به‌منظور گسترش آموزش ابتدایی در سطح منطقه آسیا که کشور ما نیز جزء آن بود، به وسیله دفتر منطقه‌ای یونسکو در آسیا و اقیانوسیه تهیه گردید که به طرح کراچی معروف شد. براساس این برنامه، کشورهای منطقه باید در طی بیست سال (۱۹۶۰-۱۹۸۰) آموزش ابتدایی را همگانی کنند. مثال دیگری در برنامه‌ریزی در سطح فراکلان، برنامه میان مدتی بود که یونسکو برای سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۸۹ تدارک دید.

نمونه دیگری از برنامه‌ریزی در سطح فراکلان «برنامه عمل میان‌مدت ۲۰۰۱-۲۰۰۹» مربوط به «سازمان آموزشی، علمی، فرهنگی اسلامی» (ایس‌س‌کو) است. سطح کلان در قالب برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام می‌گیرد.

مراحل برنامه‌ریزی آموزشی در سطح کلان

آرتور دیویس، فعالیت‌های برنامه‌ریزی را به شرح زیر طبقه‌بندی می‌کند:

- ۱) تحلیل و بررسی انتظارات سیاسی، اقتصادی و نیز مقاصد جامعه‌ای که نظام آموزشی به آن تعلق دارد.
- ۲) تدارک مجموعه‌ای از اهداف کلی و جزئی
- ۳) ارزیابی موقعیت کنونی و نیز تحول گذشته نظام آموزشی
- ۴) طراحی سیاست‌ها، برنامه‌ها و تخصیص منابع برحسب اهداف آینده و ظرفیت کنونی برای دستیابی و حفظ یک نظام آموزشی کارآمد و اثربخش که قرار است اهداف آن در یک دوره زمانی معین محقق شود.

مراحل برنامه‌ریزی آموزشی در سطح کلان به‌صورت تفصیلی

۱- تبیین وضع موجود: اطلاعات مربوط به درون‌دادها: در عرف برنامه‌ریزی آموزشی، دانش‌آموزان، معلمان، منابع مالی و امکانات جزء عوامل ورودی یا درون‌دادهای نظام آموزشی به‌حساب آورده می‌شود؛ از این‌رو برنامه‌ریزان باید اطلاعاتی درخصوص این نوع عوامل درون‌دادی گردآوری کنند.

برخی از داده‌های مربوط به درون‌دادهای آموزش و پرورش عمومی کشور

- ۱) پوشش تحصیلی ابتدایی
- ۲) پوشش تحصیلی راهنمایی
- ۳) پوشش تحصیلی متوسطه
- ۴) پوشش تحصیلی دختران در دوره ابتدایی
- ۵) پوشش تحصیلی دختران در دوره راهنمایی
- ۶) پوشش تحصیلی دختران در دوره متوسطه
- ۷) سهم دانش‌آموزان ابتدایی از کل دانش‌آموزان
- ۸) سهم دانش‌آموزان راهنمایی از کل دانش‌آموزان
- ۹) سهم دانش‌آموزان متوسطه از کل دانش‌آموزان

اطلاعات مربوط به فرایندها: داده‌هایی درباره نرخ قبولی، تکرار پایه، ترک تحصیل، مطلوبیت شیوه‌های تدریس معلمان، کیفیت مدیریت در سطوح مختلف مدیریتی، استفاده بهینه از منابع، مانند فضاهای آموزشی، تجهیزات آزمایشگاهی، گرایش به استفاده از نوآوری‌های آموزشی، وضعیت تحقیق در مسائل تعلیم و تربیت و میزان کاربست یافته‌های پژوهشی از جمله اطلاعاتی است که تصویری از فرایند آموزش را برای برنامه‌ریزان ترسیم می‌کند.

اطلاعات مربوط به برنامه‌های درسی: برنامه‌ریزان آموزشی نیز باید از نتایج ارزشیابی برنامه‌های درسی اطلاع حاصل کنند تا با دسترسی به این اطلاعات، تصویر گویا و روشن‌تری از نظام آموزشی در اختیار داشته باشند. معمولاً در فرایند برنامه‌ریزی درسی سه نوع برنامه درسی مورد انتظار، اجرا شده و کسب شده وجود دارد. برنامه مورد انتظار شامل محتوا، روش‌ها و وسایلی است که زمینه تحقق اهداف و آرمان‌های نظام آموزشی را فراهم می‌کند و تقریباً شامل مطالبی است که در کشور ما در کتاب‌های درسی و سایر

فعالیت‌های آموزشی تجلی پیدا می‌کند. برنامه اجرا شده آن چیزی است که معلمان از برنامه مورد انتظار برداشت می‌کنند و آن را در کلاس درس به شاگردان عرضه می‌کنند. منظور از برنامه کسب شده هم یادگیری‌هایی است که از طریق به‌اجرا درآمدن برنامه درسی، برای شاگردان رخ می‌دهد.

اطلاعات مربوط به برون‌دادهای آموزشی: برنامه‌ریزان آموزشی همچنین باید به گردآوری اطلاعات لازم در خصوص برون‌دادهای یا بازده‌های آموزشی نیز اقدام کنند. موضوع برون‌دادهای را می‌توان از دو نظر مورد توجه قرار داد: نخست، آن نوع برون‌دادهایی است که انتظار می‌رود در پایان هر سال یا هر مقطع تحصیلی به‌صورت دانش، نگرش و مهارت در رفتار و اعمال شاگردان بروز کند. دیگر آن نوع برون‌دادهایی است که انتظار تجلی و ظهور آنها در رفتار شاگردان به اتمام تحصیلات موکول می‌شود.

۲- شناخت نقاط قوت و ضعف: پس از آنکه برنامه‌ریزان، اطلاعات لازم را درباره وضع موجود نظام آموزشی گردآوری کردند، باید بتوانند با کنار هم قراردادن این اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها، تصویر روشنی از وضع موجود نظام آموزشی ترسیم کنند سپس نقاط قوت و ضعف نظام موجود را تمییز دهند.

۳- تدوین برنامه: برنامه‌ریزان می‌توانند برای تهیه یک برنامه توسعه و یا گذر از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب، فعالیت خود را آغاز کنند. تهیه و تدوین برنامه توسعه، فرایند طولانی و پیچیده‌ای است و شامل مراحل مختلفی است که مهم‌ترین این مراحل به شرح زیر است:

۱- انتخاب اهداف، سیاست‌های آموزشی

۲- انتخاب خط مشی‌ها

۳- تعیین اولویت‌ها

۴- تهیه برنامه عمل

۵- تصویب برنامه طراحی شده

۶- اجرا، نظارت، ارزیابی و تصحیح برنامه

۱- انتخاب اهداف، سیاست‌های آموزشی

۱-۱- انتخاب اهداف

مشخص‌ساختن اهداف، اساسی‌ترین گام در برنامه‌ریزی به‌شمار می‌رود. یعنی برنامه‌ریزان باید مقاصدی را که دستیابی به آنها مطمح نظر است، از پیش تشخیص دهند و آنگاه زمینه تحقق آنها را فراهم کنند.

۲- سیاست‌های آموزشی

برخی از مولفان کتب برنامه‌ریزی به‌جای اهداف آرمانی یا کیفی، از سیاست‌های آموزشی سخن به میان می‌آورند و شناخت سیاست‌های آموزشی را مقدم بر تعیین اهداف آموزشی می‌دانند و عقیده دارند که سیاست‌های آموزشی عباراتی کلی هستند که از تفسیر آنها اهداف آموزشی به‌دست می‌آید و سرانجام در فرایند برنامه‌ریزی، سیاست‌های آموزشی به هدف‌های مشخص تبدیل می‌شود. در برخی دیگر از منابع و نوشته‌ها، سیاست‌ها را مجموعه تصمیماتی تلقی می‌کنند که راه رسیدن به هدف‌ها را هموار می‌کند.

۲- انتخاب خط‌مشی‌ها

خط‌مشی‌ها مسیر حرکت به سوی اهداف مورد نظر را تعیین می‌کنند. خط‌مشی عبارت است از مقایسه و انتخاب یک مسیر از بین مسیرهایی که وصول به اهداف مورد نظر را میسر می‌کند.

۳- تعیین اولویت‌ها

برنامه‌ریزان ناگزیرند اولویت را تعیین کنند و وصول به بعضی از هدف‌ها را بر بعضی دیگر مقدم دارند.

اولویت‌های برنامه‌ریزان آموزشی

۱) انتخاب بین سطوح آموزشی

۲) انتخاب بین کیفیت و کمیت

۳) انتخاب بین علوم پایه و فنی در مقابل علوم انسانی

۴) آموزش مدرسه‌ای در مقابل آموزش خارج از مدرسه

۵) انتخاب محرک‌ها

۶) هدف از آموزش

۴- تهیه برنامه عمل

برنامه عمل یا برنامه اجرایی، درواقع نقشه و طرح دقیق اقدامات و عملیاتی است که باید در آینده انجام گیرد. در این مرحله اهداف کلی برنامه، با توجه به خط‌مشی‌ها در قالب اهداف جزئی و احتمالا کمی بیان می‌شود. همچنین در این مرحله با درنظر گرفتن امکانات موجود، اجرای فعالیت‌ها مشخص می‌شود.

۵- تصویب برنامه طراحی شده

بعد از تعیین اولویت‌ها نوبت به تصویب برنامه آزمایشی طرح شده می‌باشد. در این مرحله نیز مطالب اضافی با توجه به نظر کارشناسان حذف می‌شوند.

۶- اجرا، نظارت، ارزیابی و تصحیح برنامه

دراین مرحله برنامه تصویب شده شکل عملی به خود گرفته و از حالت تئوری خارج می‌شود و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. سپس ناظران پس از نظارت به ارزیابی مراحل و برنامه اجرا شده می‌پردازند و پس از بازخوردهی در صورت نیاز به اصلاح، به اصلاح برنامه موردنظر می‌پردازد.

سوالات چهارگزینه‌ای تالیفی فصل اول

۱- کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) در طرح برنامه درسی مشخص کردن اجزا و عناصر برنامه درسی مطمح نظر است.
- (۲) در برنامه‌ریزی درسی نحوه قرار گرفتن این عناصر کنار هم موردنظر است.
- (۳) طرح برنامه درسی و برنامه‌ریزی درسی از ابعاد برنامه درسی هستند و فرقی باهم ندارند.
- (۴) تمام موارد صحیح است.

۲- سازمان یونسکو از زمان بنیانگذاری تاکنون در چهار زمینه فعالیت چشمگیر داشته، کدام مورد جزء آنها نیست؟

- (۱) تربیت کارشناس برنامه‌ریزی آموزشی
- (۲) انجام تحقیقات بین‌المللی
- (۳) برگزاری دوره‌های آموزشی
- (۴) انتشارات

۳- مرحله دوم تهیه برنامه سوم توسعه کدام مورد است؟

- (۱) تدوین برنامه‌های عملیاتی
- (۲) تدوین برنامه‌های بخشی و استانی
- (۳) ارائه گزینه‌های مختلف و پیشنهاد گزینه مطلوب
- (۴) بررسی عملکرد گذشته و تبیین وضع موجود

۴- بر اساس کدام برنامه کشورهای منطقه (آسیا) در طی بیست سال باید آموزش ابتدایی را همگانی کنند؟

- (۱) برنامه‌ریزی در سطح مکان
- (۲) طرح کراچی
- (۳) برنامه‌ریزی در سطح فرامکان
- (۴) برنامه‌ریزی در طرح ۲۰ ساله

۵- معمولاً در فرایند برنامه‌ریزی درسی سه نوع برنامه درسی وجود دارد، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) مورد انتظار - اجرا شده - در حال اجرا
- (۲) در حال اجرا - اجرا شده - کسب شده
- (۳) مورد اجرا - در حال اجرا - اجرا شده
- (۴) مورد انتظار - اجرا شده - کسب شده

۶- طبق اولویت‌های برنامه‌ریزان آموزشی، انتخاب محرک‌ها چندمین اولویت است؟

- (۱) اولویت اول
- (۲) اولویت دوم
- (۳) اولویت چهارم
- (۴) اولویت پنجم

۷- برنامه‌ریزانی که تکیه کلامی چون «آینده هم‌اکنون با ماست» را دارند جزء کدام دسته از گروه‌های زیر به حساب می‌آیند؟

- (۱) آینده‌گزین‌ها
- (۲) آینده‌نگرها
- (۳) آینده‌سازان
- (۴) تمرکزگراها

۸- در یک استان تعداد دانش‌آموزان دوره ابتدایی ۱۰۰۸۰۰ نفر است. اگر نسبت ثبت‌نام‌کنندگان به جمعیت واجب‌التعلیم ۷۲٪

باشد، تعداد جمعیت گروه سنی دوره ابتدایی آن استان چند نفر است؟

- (۱) ۱۳۹۰۰۰
- (۲) ۱۴۰۰۰۰
- (۳) ۱۴۰۳۰۰
- (۴) ۱۳۳۰۰۰

پاسفنامه سوالات چهارگزینه‌ای تالیفی فصل اول

۱- گزینه «۳»

طرح برنامه درسی و برنامه‌ریزی درسی دو بعد اصطلاح برنامه درسی هستند که در اولی مشخص کردن اجزاء و عناصر برنامه درسی مطرح نظر است و در دومی نحوه قرار گرفتن این عناصر کنار هم موردنظر است.

۲- گزینه «۲»

سازمان یونسکو از زمان بنیانگذاری تاکنون در چهار زمینه فعالیت چشمگیری داشته که عبارتند از: تربیت کارشناس برنامه‌ریزی آموزشی - انجام تحقیقات - برگزاری دوره‌های آموزشی - انتشارات

۳- گزینه «۱»

مرحله اول شامل: الف) بررسی عملکرد گذشته، تعیین وضع موجود، مشکلات و تنگناها و نقاط قوت و ضعف ساختاری و عملکردی، تهیه چشم‌انداز بلندمدت، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با نگرش‌های آمایشی و شناخت دغدغه‌ها و چالش‌های آینده ب) در ارائه گزینه‌های مختلف و پیشنهاد گزینه مطلوب ج) رهنمودهای کلی برنامه‌های سوم توسعه

مرحله دوم: تدوین برنامه‌های عملیاتی

مرحله سوم: تدوین برنامه‌های بخش داستانی بر اساس قانون برنامه سوم و جهت‌گیری‌های آمایشی

۴- گزینه «۲»

برنامه‌ای بلندمدت (بیست‌ساله) به‌منظور گسترش آموزش ابتدایی در سطح آسیا که کشور ما جزء آن بوده به‌وسیله دفتر منطقه‌ای یونسکو در آسیا و اقیانوسیه تهیه گردید که به طرح کراچی معروف شده، بر اساس این برنامه، کشورهای منطقه باید در بیست سال ابتدایی را همگانی کنند.

۵- گزینه «۴»

معمولاً در فرایند برنامه‌ریزی درس سه نوع برنامه‌ی درسی مورد انتظار و اجرا شده، کسب شده وجود دارد.

۶- گزینه «۴»

اولویت‌های برنامه‌ریزان آموزشی: ۱) انتخاب بین سطوح ۲) انتخاب بین کیفیت و کمیت ۳) انتخاب بین علوم فنی و پایه در مقابل انسانی ۴) آموزش مدرسه‌ای در مقابل خارج مدرسه ۵) انتخاب محرک‌ها ۶) هدف از آموزش ۷) تهیه برنامه عمل

۷- گزینه «۳»

اگر هدف برنامه‌ریزی ساختن و شکل دادن به آینده باشد، تکیه کلام آینده‌سازان این است که «آینده هم‌اکنون با ماست».

۸- گزینه «۲»

براساس فرمول محاسبه نسبت ثبت‌نام در یک دوره آموزشی، شماره ثبت‌نام شدگان را بر درصد حاصل آن تقسیم می‌کنیم.

$$A = \frac{E_t^1}{P_t^a} = \frac{\text{تعداد شاگردان در دوره ابتدایی (۱۰۰۸۰۰)}}{\text{جمعیت واجب‌التعلیم در دوره ابتدایی (۱۴۰۰۰۰)}} \times 100$$

$$72\% = \frac{100800}{X} \Rightarrow 14000$$

فصل دوم

اصول برنامه ریزی آموزشی

- اصول برنامه ریزی آموزشی
- ارکان برنامه
- چگونگی تهیه یک برنامه توسعه آموزشی عمومی
- انواع الگوهای ارزشیابی
- رابطه آموزش و پرورش با رشد و توسعه
- آموزش و پرورش و توسعه اقتصادی

اصول برنامه‌ریزی آموزشی

این اصول در طی زمان شکل گرفته‌اند و آنها را به سه گروه می‌توان تقسیم کرد: الف) اصول مقدماتی ب) اصول عمومی ج) اصول متمم

اصول مقدماتی برنامه‌ریزی آموزش و پرورش

سه اصل مقدماتی برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، به‌طوری‌که راسخ آنها را در کتاب «تعلیم و تربیت در جهان امروز» توصیه کرده است، عبارتند از:

اصل اول: اصل هماهنگی توسعه کمی یا رشد و بهبود کیفی آموزش

منظور از این اصل آن است که همزمان با گسترش و تعمیم آموزش و پرورش، باید به اصلاح و رفعم آن نیز اقدام کرد. اگر برنامه‌ریزی آموزشی فقط به افزایش تعداد فراگیران (رشد کمی) توجه کند، مثل این می‌ماند که عیب و نقص‌های موجود در آموزش و پرورش را با وسعت بیشتری گسترش دهد.

اصل دوم: اصل همبستگی سطوح مختلف و انواع آموزش و پرورش

منظور از این اصل آن است که برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، فقط برای یک دوره نباشد، بلکه به تمام دوره‌های آموزش و پرورش، از کودکستان تا دانشگاه و بزرگسالان، توجه کند. فقط به هدف تربیت نیروی انسانی برای دنیای کار و اقتصاد مختص نباشد، بلکه تمام نیازهای تربیتی انسان را دربر گیرد.

اصل سوم: اصل انطباق برنامه‌های آموزش و پرورش با نیازهای توسعه ملی

منظور از این اصل آن است که برنامه‌ریزی آموزشی و پرورش باید با برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، هماهنگ و هم‌ساز باشد و درچارچوب برنامه‌ریزی توسعه ملی صورت گیرد.

اصول عمومی برنامه‌ریزی آموزشی

یونسکو پنج اصل را به‌عنوان مشخصات عمومی برنامه آموزشی توصیه می‌کند که عبارتند از:

- ۱- برنامه باید جامع باشد (اصل جامعیت برنامه‌ریزی آموزشی که بیانگر تعامل پدیده‌های مختلف و لزوم توجه به آنها است).
- ۲- برنامه‌ریزی آموزش و پرورش باید در قالب برنامه‌ریزی توسعه ملی ریخته شود و با برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی هماهنگ باشد (اصل همبستگی برنامه‌ریزی آموزشی با برنامه توسعه ملی).
- ۳- برنامه‌ریزی آموزش و پرورش باید درازمدت و مداوم باشد (اصل مداومت برنامه‌ریزی آموزش و پرورش).
- ۴- برنامه‌ریزی آموزش و پرورش باید، هم به مسئله توسعه کمی و هم به بالا بردن کیفیت آموزش و پرورش توجه کند. (اصل توجه به جنبه‌های کیفی برنامه‌ریزی آموزشی)

۵- برنامه‌ریزی آموزش و پرورش باید با مدیریت مؤثر، علاقه‌مند و کاربر و اطلاعات و آمار صحیح تقویت شود. (اصل توجه به مدیریت و سرویس اطلاعات آموزش و پرورش)

اصول متمم برنامه‌ریزی آموزش و پرورش

الف) واقع‌بینی

ب) همکاری و مشارکت

ج) استمرار و ارزیابی

د) تغییر و تحول

ه) ضمانت اجرایی

الف) اصل واقع‌بینی: برنامه‌ریزی باید واقع‌بینانه باشد. «مک کینون» می‌گوید: برای اینکه برنامه واقع‌بینانه باشد، به چند عامل باید توجه کرد، از جمله:

۱- **عوامل کمی عرضه و تقاضا:** مثل تعداد جمعیت واجبات‌التعلیم، نیاز به نیروی انسانی، منابع، هزینه‌ها، تعداد مدارس و دانشگاه‌ها، تعداد کلاس‌ها و معلمان، مدیران و کارمندان و ...

۲- **زمینه اجتماعی:** عواملی از قبیل نگرش عمومی و اجتماعی به آموزش و پرورش، ارزش‌های اجتماعی، خواسته‌ها و انتظارات گروه‌های مختلف مردم از آموزش و پرورش و ...

۳- **عوامل اجرایی:** عواملی از قبیل چگونگی تشکیلات و نظام آموزش و پرورش، قوانین استخدامی و نظام حقوقی و شرایط ترفیع، نحوه مدیریت و سلسله‌مراتب اداری و چگونگی تصمیم‌گیری، حدود و اختیار عمل متصدیان امر در درجات مختلف اجرایی، معلمان و چگونگی تدریس آنها

۴- **مسائل سیاسی:** مسائلی از قبیل چگونگی تصمیم‌گیری و مشارکت در برنامه‌ریزی و هماهنگی و همکاری دستگاه‌ها، مداومت و پیگیری برنامه‌ها و تصمیمات و ...

۵- **عوامل مالی:** عوامل و مسائلی مانند چگونگی بودجه‌بندی آموزش و پرورش، چگونگی کنترل و نظارت مالی، چگونگی تعیین اولویت‌ها و ملاک‌های بودجه‌بندی

۶- **مسائل اطلاعاتی:** نقص اطلاعات به نقص برنامه‌ریزی تاکید می‌کند. «راولی» می‌گوید هر برنامه آموزش و پرورش یک «سند سیاسی» است؛ بنابراین فقط نباید به سیاست توجه کرد، تصمیم‌گیری، تعیین اولویت‌ها، تقویت ایدئولوژی‌ها، توزیع آموزش و پرورش، مهاجرت روستاییان، شهرگرایی، فشار فرهنگ خارجی و امثال آن همه مستقیماً با سیاست ملی سروکار دارد.

ب) اصل همکاری و مشارکت: اصل همکاری و مشارکت مربوط به اجرا و عمل برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی آموزشی امری جمعی است نه فردی، بنابراین همه افراد در آن شرکت می‌کنند.

مهم‌ترین موضوعی که در برنامه‌ریزی به همکاری نیاز دارد، مسئله تعیین نیازهای ملی، انتظارات و خواست‌های عمومی، اولویت‌ها و هدف‌ها و راهبردهاست. در این باره باید علاوه بر اولیای امر و مقامات مسئول، نمایندگان بخش‌های عمده کشوری، متفکران اجتماعی، روحانیون، معلمان، کارگران و اصناف و هنرمندان و اولیای اطفال و شاگردان مشارکت داده شوند.

مرحله تدوین برنامه و تنظیم طرح‌ها و نقشه‌ها، جنبه فنی برنامه‌ریزی است و کار عمده متخصصان و مسئولان برنامه‌ریزی است. ولی مشارکت نمایندگان مجریان آموزش و پرورش به‌خصوص معلمان و مدیران، می‌تواند مفید باشد.

مرحله ارزیابی و تجدید نظر نیز احتیاج به همکاری و مشارکت وسیع دارد. از همه گروه‌های فوق‌الذکر بهتر است نمایندگان مطلع و بصیری شرکت داشته باشند.

ج) اصل استمرار و ارزیابی: برنامه آموزش و پرورش باید به‌طور مداوم مورد ارزیابی و تجدید نظر قرار گیرد و با پیشرفت زمان همگام شود.

«گرفین و اینوس» معتقدند که «هنر برنامه‌ریزی در این است که بین نیاز به مشخص ساختن فعالیت‌های برنامه از یک سو و لزوم برقراری انعطاف از سوی دیگر، تعادل برقرار شود». برنامه‌ریزی که فاقد ارزیابی و بررسی مستمر باشد برنامه‌ریزی نیست، نوعی اظهار نظر ذهنی است.

د) اصل تغییر و تحول: برنامه‌ریزی برای آن است که در روند موجود تغییر و تحولی ایجاد کند و آن را در مسیر جدیدی قرار دهد و کمبودهای کمی و معایب کیفی آن را برطرف سازد.

اصل تحول و تغییر، اصل دیگری به نام «اشتقاق» را به دنبال می‌آورد. زیرا برای ایجاد تغییر و تحول باید به هدف‌های متفاوت، راهبردهای گوناگون و نظام‌ها و سیستم‌ها و نوآوری‌های مختلف آموزش و پرورش توجه کنیم. منظور از اصل اشتقاق توجه کردن به راه‌حل‌های مختلف است. به عبارت دیگر باید در انتخاب هدف‌ها و مقصدها و اولویت‌های مختلف آموزشی، بازتاب و نتایج آنها را از نظر اجتماعی، اقتصادی و بسنجیم و راه‌های مختلفی که برای نیل به مقصد وجود دارد، بیابیم و مزایا و معایب هر یک را تجزیه و تحلیل کنیم و در انتها راه راست را برگزینیم.

«هیوفنر» می‌گوید: «برای اینکه برنامه اثربخش باشد باید تحول ایجاد کند، برای آنکه تحول ایجاد کند، برنامه باید شامل استراتژی‌هایی برای رشد و توسعه باشد که در آنها ارتباط بین هدف‌ها، منابع مورد نیاز و نتایج، روشن شده باشد» بنابر استدلال هیوفنر، توجه کردن به اصل اشتقاق، مهم‌ترین تفاوت بین برنامه‌ریزی آرزویی (آرمانی) و برنامه‌ریزی اصولی و عملی است. در برنامه‌ریزی آرزویی به شقوق و راه‌های مختلفی که برای رسیدن به مقصد وجود دارد، توجهی نمی‌شود، ولی در برنامه‌ریزی اصولی و عملی باید نه تنها به راهبردهای مختلف توجه شود، بلکه مزایا و معایب هریک نیز مقایسه و تجزیه و تحلیل گردد.

ه) اصل ضمانت اجرایی: در تهیه و تنظیم برنامه باید به شرایط اجرای آن توجه کرد. شرایط اجرای برنامه به عواملی از قبیل محیط اجتماعی و سیاسی، مدیریت، سازمان اداری، منابع فنی و انسانی و راهبردهای آموزش و پرورش برای نوآوری و توسعه، بستگی دارد. یکی از موضوع‌هایی که بر ضمانت اجرایی برنامه اثر می‌کند، راهبرد نوآوری، استراتژی و تدبیری است که برای برقرار کردن یک نظام آموزشی جدید یا وارد کردن روش‌ها و وسایل نوین تربیتی به کار برده می‌شود. بعضی از نوآوری‌ها کوچک هستند، بنابراین، می‌توان آنها را به آسانی با وضع موجود تطبیق داد. این گونه راهبرد نوآوری را پیوند نو با کهنه می‌نامند، مانند استفاده از یک روش تدریس جدید برای تدریس یکی از دروس.

بعضی از نوآوری‌ها بزرگ هستند و برقرار ساخت آنها مستلزم تغییرات وسیعی است و آنها را نمی‌توان به آسانی در سیستم موجود جا داد، این گونه راهبرد نوآوری‌ها را «پیوند نو با نو» می‌نامند. مثلاً اگر بخواهیم هدف‌های آموزشی را تغییر دهیم، نوع درس، محتوای درس و حتی گاهی نظام آموزشی نیز باید تغییر کند. اصل ضمانت اجرایی ارتباط نزدیکی با اصل واقع‌بینی دارد و درحقیقت بخشی از آن است.

اصول برنامه‌ریزی آموزشی (از دیدگاه دکتر محسن‌پور)

هنگامی که از ضرورت برنامه‌ریزی در اداره امور سازمان‌ها و موسسات سخن به میان می‌آید، بدون شک ضرورت رعایت اصول برنامه‌ریزی مطرح نظر است؛ زیرا اصول راهنمای عمل به حساب می‌آید و اگر در جریان تهیه و اجرای برنامه‌ها رعایت شود، می‌توان به موفقیت برنامه‌ها بیشتر امیدوار بود.

۱- اصل جامعیت: بنا به نظریه سیستم تئوری، خرده سیستم‌های درون سیستم کلی، همواره با هم در ارتباطند و هر نوع تغییری در یکی از خرده سیستم‌های درون سازمان، تاثیر زیادی بر خرده سیستم‌های دیگر بر جای خواهد گذاشت. بر این اساس برنامه‌ریزان هنگامی که قصد ایجاد تغییرات و اصلاحات درباره یکی از اجزای درون سازمان را دارند، باید متوجه آثار این نوع تغییرات در جای دیگر سازمان باشند.

۲- اصل مشارکت: هنگامی که سخن از مشارکت در برنامه‌ریزی به میان می‌آید، معنای آن این است که برنامه‌ریزی منحصر تصمیم‌گیری به وسیله معدودی از مدیرانی که در رأس هرم سازمان جای دارند، نیست. بلکه فرایندی است که مشارکت همگان را طلب می‌کند و همه کسانی که به نوعی در معرض نتایج برنامه‌ها قرار دارند، باید تا حدودی در این میان نقش داشته باشند.